

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نبایند تن من مباد  
بدين بوم وير زنده يك تن مباد  
همه سر به سرتون به کشتن دهيم  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary - Satire

طنز - ادبی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۲۰۰۸/۷/۱۱

## شارلاتانها

هر طرف مینگرم ، فوج بلا می بینم  
دست تقدیر ، به دامان قضا می بینم  
**در و دیوار ، همه ریخته از راکت و بم**  
**خانه ها سوخته** ، گردش به هوا می بینم  
**شهر ، ویرانه و اهلش** به جهان آواره  
**ملک** ، پر از ستم و **جور و جفا** می بینم  
**ملت** ، افسرده و بیچاره و در ماتم و غم  
**دولت** کور و کری ، بی سر و پا می بینم  
شرف و عزت و حرمت ز همه کرده فرار  
آدمیت ، بسی بر باد فنا می بینم  
در **دفاتر** همه با پیرن و تنان و پکول  
رشوت و واسطه بازی و ، چهار می بینم  
**این رئیسان و ، وکیلان و ، وزیران** چتل  
همه **قاقاچبر** و ، دزد و خطا می بینم  
دهن بوچی **تریاک** ، گرفته به دو دست  
**بنگ امریکه** و ، چرس اروپا می بینم  
تاجر و ، امتعه ، دلال و ، خریدار ، خود اند  
چه کلاهها ، به سر مردم ما می بینم  
ریش و پشم و یخن چرک و ، شبش در گردش  
بوی گند از دهن **شیخ و ملا** می بینم  
روز و شب صحبت دینست به ( TV ) ی جهان  
**جهلارا** ، به لباس علما می بینم  
یکی میگه ، دو و دو سه و ، دگر میگه که نه

به سَری گَفْتَه هَردو ، چَلِیپا مَی بَین  
یکی چو گَرگ نَر و ، دیگری چون ماده پُلَنگ  
تشنه بر خون دل ، ما و شما مَی بَین  
یکی چون مرغ چَتلخور ، چو زاغ و چو زغن  
دگری ، کرگس کلمرغ نَمَا مَی بَین  
یکی خواند (حَرَكَت) ، دیگری داند (بَرَكَت)  
بهر. (مَلَئِی) شدن ، (اصلاح) بجا مَی بَین  
دیگر تَف ناکده ، جوش آمد و از زیر. (پَلَو)  
(مُلَّی) ای (مَلَّی) به کف ، بهر. سخا مَی بَین  
روز. یکشنبه و ، شنبه ، که همه تعطیل اند  
دین و دین بازی ، باریب و ریامی بَین  
بسکه هر چینل و کانال ، دلنگان ، به دین  
(شارلاتانهای) دغا ، راهنمایی بَین  
(بَلَو هایی که) از مذهب و دین ساخته اند  
پای باور زفسادش ، به فضامی بَین  
شرطبازانیکه بس کاسب بیراند و شراب  
صحبت دینی شان ، شرم و حیامی بَین  
گر دغلباز ریاکار ، شود ناطق دین  
دین بی دین شده و ، کفر ، روا مَی بَین  
ای خدا ! اینهمه (مُلَّا) ، ز کجا پیدا شد  
چون ملخ ریخته ، از ارض و سما مَی بَین  
یکی چون رعد و چو برق و دگری چون طوفان  
همه بانام خدا ، ضَدَخَدا مَی بَین  
روی هر دکمه (TV) که گذاری ، انگشت  
لُنگی و چادر و پیزار و عبا مَی بَین  
«نعمتا» محشری برپاشده با (انترنت)  
به فشاری ز کجا ، تابه کجامی بَین